## فهرست مطالب

[فهرست مطالب 1](#_Toc429005829)

[خطبه اول 1](#_Toc429005830)

[خطاب نامه 31 نهج‌البلاغه 2](#_Toc429005831)

[اصول مهم نامه 31 نهج‌البلاغه 2](#_Toc429005832)

[توجه به قلب و درون آدمی 3](#_Toc429005833)

[توجه به قلب در نامه 31 نهج‌البلاغه 4](#_Toc429005834)

[خطبه دوم 5](#_Toc429005835)

[سالروز شهادت شهید رجایی و شهید باهنر 5](#_Toc429005836)

[هفته دولت 6](#_Toc429005837)

[مدل حکومت امام علی (ع) در نهج‌البلاغه 6](#_Toc429005838)

[توجه به نکاتی در هفته دولت 7](#_Toc429005839)

[ادغام بعضی وزارت‌خانه‌ها 7](#_Toc429005840)

[اقدامات جهاد سازندگی 8](#_Toc429005841)

[دعا 8](#_Toc429005842)

## خطبه اول

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم**«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## خطاب نامه 31 نهج‌البلاغه

امیرالمؤمنین (ع) در نامه 31 نهج‌البلاغه دستورات و برنامه‌هایی را برای زندگی معنوی و اخلاقی فردی و اجتماعی انسان‌ها بیان کردند و مجموعه این دستورات را به‌عنوان توصیه‌ای به فرزندشان نوشتند. طبق آنچه مشهور است این نامه خطاب به فرزندشان امام حسن (ع) است اما در بعضی نقل‌های دیگر آمده است که این وصیت‌نامه‌ای است که برای فرزندشان محمد ابن حنفیه نوشته‌اند. اصل وصیت هم حدود 5 سند دارد که در کافی آمده است و بعضی از آن‌ها قابل‌قبول و توصیف است.

## اصول مهم نامه 31 نهج‌البلاغه

امیرالمؤمنین در بازگشت از جنگ صفین و اواخر عمر شریفشان این نامه را نوشتند. یکی از اصول و مسائلی که امیرالمؤمنین در ابتدای خطبه به آن توجه دارند و در بین خطبه هم چند بار به آن پرداخته‌اند این است که جامعه و مردم و مخاطبان خود را با موقعیتشان در این دنیا آشنا بکنند، این اصل آشناسازی انسان‌ها با جایگاه خودشان در این عالم و دنیا است.

اصل دیگر تأکید بر مسئولیت بسیار خطیر و حساس پدر در برابر تربیت و ساختن فرزند است، پدر به همان میزان که در قبال زندگی مادی‌اش مسئولیت دارد به درجات بالاتر در برابر آینده معنوی، اجتماعی و اخلاقی و فکری فرزند مسئولیت دارد.

نکته مهم دیگری که می‌شد از این نامه استفاده است تلاش انسان برای جلب نظر و اعتماد کسی است که می‌خواهد او را هدایت بکند و اینکه راه برای نفوذ در روح و جان و قلب فرزند را باز بکند، کسانی که می‌خواهند دیگران را به راه راست هدایت بکنند و به‌خصوص پدر، مادر، معلم و مربی و کسانی که مسئولیت دیگران به آن‌ها سپرده شده است باید هم علاقه‌مند و شیفته هدایت و تربیت دیگران باشند و هم این علاقه را اظهار بکنند و کاری بکنند که طرف به او اعتماد بکند، واقعاً ته دلش این را بپذیرد که او دوستدار او است و از سر رحمت و عطوفت و مهربانی برای هدایت او آمده است.

اصل و قاعده چهارم اخلاقی و تربیتی که ما باید در برنامه‌های تربیتی به کار بگیریم استفاده از تجارب تاریخی و شخصی است و نشان دادن تاریخ و تجربه‌های تاریخی برای اینکه فرد راه خود را بیابد و بداند که عالم جای بقاء نیست. اصل پنجم هم بهره‌گیری از جوانی و فرصت‌های بسیار مغتنمی است که به‌هیچ‌وجه قابل تکرار نیست، اساس و شاکله شخصیت علمی، اخلاقی و معنوی انسان باید در همان سنین نوجوانی و جوانی ریخته بشود و اگر در آن سنین فرزندی راه را پیدا کرد تا حدّ زیادی آینده‌اش تأمین و تضمین است.

## توجه به قلب و درون آدمی

امیرالمؤمنین در اوایل نامه توجه جامعه و مخاطب را به قلب جلب می‌کند، انسان باید نگاهش به خودش و قلبش باشد، قلبی که در معرض تغییر و تحول است، در روایات و تعالیم دینی ما بر این نکته مکرر اشاره شده است و تأکید شده است که قلب و روح ما دستخوش تغییر و تحول است، ما یک ثبات نداریم، نمی‌توانیم فکر بکنیم که اگر آدم خوبی هستیم و فضیلت‌هایی را داریم این‌ها باقی می‌ماند، تجربه‌های تاریخ و تجربه‌های اشخاص نشان می‌دهد که چه‌بسا افرادی که در مسیر صحیح و هدایت بودند و ناگهان لغزیدند و برعکس آن لغزش‌های انسان و تحولاتی که در قلب انسان پدید می‌آید یک عالم عجیب و فوق‌العاده غریبی است چون همه شخصیت ما با افکار و اندیشه‌ها و انگیزه‌هایی که در قلب ما در جریان است شکل می‌گیرد.

اعمال و اقدامات آینه روح ما و نشان‌دهنده عالم درون ما است، عالم درون عالم بسیار عجیبی است و قرآن می‌فرماید: **«یعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَی»[[3]](#footnote-3)**، خدا ظاهر را می‌بیند و مخفی را می‌بیند و مخفی‌تر را هم می‌بیند، یعنی در عالم درون یک عالم خیلی پیچیده و عمیق و بسیار ظریف است، اگر بخواهیم خوب بشویم و خودمان را اصلاح بکنیم همیشه باید نگاهی به درونمان داشته باشیم که در آنجا چه خبر است.

مرحوم آیت‌الله اراکی قبل از انقلاب در مسجد امام حسن قم نماز جمعه می‌خواندند، نماز جمعه در آن زمان خیلی مرسوم نبود، از چیزهایی که ایشان خیلی روی آن تأکید می‌کردند نقلی از استادشان مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بود که می‌فرمودند: «مردم برای اینکه خودتان را اصلاح بکنید نگهبان و دربان قلبتان باشید و دوّاب علی القلب باشید»، برای اینکه قلب ما جان و روح ما است و دائماً تحول پیدا می‌کند و هرلحظه یک حرف و فکر و خیال تازه‌ای به‌طرف قلب انسان می‌آید، بنابراین همیشه باید به ریشه و فکر و خیال و عالم درون پرداخت چراکه اوست که آدم را به خوبی یا بدی می‌برد، فرزند را به راه درست هدایت می‌کند یا به راه ناصحیح هدایت می‌کند.

مرحوم ملأ صدرای شیرازی در شرح اصول کافی این روایت را مفصل شرح داده‌اند که **«إِنَّمَا سُمِّیَ الْقَلْبُ قلباً لِتَقَلُّبهِ احواله»[[4]](#footnote-4)،** می‌دانید چرا به قلب گفته‌اند قلب؟ قلب یعنی زیرورو شدن، انقلاب یعنی تحول و ثبات نداشتن و جان انسان دائماً در معرض تغییر و تحول است، یک دفعه می‌بینید که راه عوض شد، حری که مقابل امام حسین شمشیر می‌کشید برگشت، آن کسی هم که همراه بود عوض شد، تغییرات و تحولات جان آدمی هم فراوان و زیاد است و هم سریع و شتاب آلود است.

به همین خاطر است که باید از قلب نگهداری و صیانت کرد، دگرگونی قلب در اثر این است که خیالات، افکار و تحولات درست یا باطل مرتب به سمت قلب انسان می‌آید. قلب در معرض بارش افکار و خیالات و اندیشه‌ها است، یک‌وقت فکر خوب می‌آید و یک وقتی هم وسوسه‌های شیطان می‌آید و هرکدام انسان را به راهی می‌برد.

البته خداوند بر فکر بد ما را مؤاخذه نمی‌کند ولی بر فکر خوب ثواب می‌دهد، همین‌که انسان تصمیم‌های خوب بگیرد و اراده بر کارهای نیک داشته باشد ثواب دارد، البته فکر بد در پایین آمدن روح انسان اثر دارد ولی خدا بر آن عقاب نمی‌کند چون این کار خیلی مشکلی است،‌ این لطف الهی است.

قلب هم اساس شخصیت انسان است و هم در معرض تغییرات سریع است و هم اینکه آن افکار و تصمیماتی که در درون ما است بنیاد رفتارها و عملکردهای ما است، ازاین‌جهت است که مبنای اخلاق و عرفان بر این است که انسان به قلب بپردازد، اگر از همان ریشه و سرچشمه جلوی گناه و آلودگی را گرفتید بعد راحت می‌توانید خودتان را کنترل بکنید ولی اگر افکار و خیالتان را آزاد گذاشتید شما را آرام‌آرام به تصمیم می‌برد و به‌تدریج شما را به گناه می‌کشاند و البته گناه هم تأثیر دیگری بر قلب می‌گذارد.

## توجه به قلب در نامه 31 نهج‌البلاغه

امیرالمؤمنین در اوایل این نامه می‌فرمایند قلبت را محور شخصیت خودت قرار بده، جان و روح تو بنیاد شخصیت و عمل تو است، آن را پاسداری بکن و مبنا قرار بده، تلاش بکن که حتی فکر گناه نکنی و تصمیم بر یک خطا و انحراف در درون تو تحقق پیدا نکند، آن ارزش بالایی دارد، بعد عرض می‌کنند: **«وَ حَذِّرْهُ صَوْلَةَ الدَّهْرِ، وَ فُحْشَ تَقَلُّبِ اللَّیالی وَ الاْیامِ»[[5]](#footnote-5)** قلبت را از گردش زمانه و زیرورو شدن چرخه زندگی بر حذر بدار، قلب تو در معرض تغییر و تحول است، ضمناً به قلبت این را بفهمان که روزگار هم دستخوش تغییر و تحول است، اسلام نمی‌گوید انسان زندگی سعادتمند و راحت دنیایی نداشته باشد، لذایذ دنیا را محکوم نمی‌کند ولی می‌گوید که اعتماد مطلق بر دنیایی که در معرض تحول و تغییر است نداشته باش.

**«وَ اعْرِضْ عَلَیهِ اَخْبارَ الْماضینَ»[[6]](#footnote-6)** داستان پیشینیان و آیات قرآن را بخوان که چگونه سرنوشت افراد و اقوام پیشین از خوبان و ناصالحان را ترسیم کرده است، اقوامی که آمدند به اوج شکوه و اقتدار رسیدند و در اثر گناه لغزیدند و فرو افتادند، انسان‌هایی که از پستی به بلندی‌ها رسیدند و انسان‌های بزرگی که سقوط کردند،‌ **«وَ ذَکرْهُ بِما اَصابَ مَنْ کانَ قَبْلَک مِنَ الاْوَّلینَ»**[[7]](#footnote-7) یادآوری بکن آنچه به پیشینیان تو رسید، «**وَ سِرْ فی دِیارِهِمْ وَ آثارِهِمْ، فَانْظُرْ فیما فَعَلُوا، وَ عَمَّا انْتَقَلُوا»[[8]](#footnote-8)،** برو بگرد و گردشگری بکن بر آثار باقیمانده از پیشینیان و ببین که چگونه کار کردند و از کجا کوچ کردند و به کجا رفتند، در بعضی روایات دارد که به قبرستان برو و به آن‌ها خطاب بکن و با آن‌ها سخن بگو و داستان آن‌ها، جلال و شکوه آن‌ها و اوج آن‌ها را تماشا بکن، این‌ها انسان را هوشیار و بینا می‌کند.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم إِنَّا أَعْطَیْنَاکَ الْکَوْثَرَ، فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ، إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الأبْتَرُ[[9]](#footnote-9)**

## خطبه دوم

أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم **نَحْمَدُهُ عَلَی مَا کَانَ وَ نَسْتَعِینُهُ مِنْ أَمْرِنَا عَلَی مَا یَکُونُ**[[10]](#footnote-10) **و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور أنفسنا و سیّئات أعمالنا و نصلّی و نسلّم علی سیّدنا و نبیّنا العبد المؤید و الرّسول المسدّد المصطفی الأمجد أبی القاسم محمّد (ص)، و علی** **امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب و علی الصّدیقة الطاهره فاطمة الزّهراء و علی الحسن و الحسین سیّدی شباب أهل الجنّة و علی أئمّة المسلمین علی ابن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن ابن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)** **حُجَجِکَ علی عِبادِک وَ اُمَنائِکَ فی بِلادِک**[[11]](#footnote-11) **وَ** **ساسَةَ الْعِبادِ وَ اَرْکانَ الْبِلادِ وَ اَبْوابَ الاْیمانِ وَ اُمَناَّءَ الرَّحْمنِ وَ سُلالَةَ النَّبِیّینَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلینَ وَ** **عِتْرَةَ خِیَرَةِ ربّ العالمین**[[12]](#footnote-12) **صلواتک علیهم أجمعین.**

أعوذ بالله السّمیع العلیم من الشّیطان الرّجیم بسم الله الرّحمن الرّحیم **یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنتُم مُّسْلِمُونَ[[13]](#footnote-13) عِبَادَ اللَّهِ أُوصِیکمْ و نَفسِی بِتَقْوَی اللَّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## سالروز شهادت شهید رجایی و شهید باهنر

زندگی چهره‌های بزرگی مثل شهید رجایی و باهنر باید برای همه ما الگو و سرمشق باشد،‌ کسی مثل شهید رجایی را باید از اولیای خاص الهی در نظر گرفت، فردی که از یک گوشه‌ای از مملکت بلند شد، با مشکلات فراوان درس خواند، به درجات بالا رسید و در کنار همه فعالیت‌ها و کارها آن‌قدر از نظر اخلاقی مقید و آگاه و هوشیار بود.

بعد از انقلاب افرادی مثل شهید رجایی کم بودند، درسی که شهید رجایی به روحانیون و غیر روحانیون می‌دهد این است که کمال، تقوا و فضیلت در اختصاص هیچ قشر خاصی نیست، هرکسی در هر موقعیتی که قرار دارد می‌تواند در ارزش‌های اخلاقی،‌ فضائل دینی و منقبت‌های روحی مثل شهید رجایی بشود.

به همان اندازه که از زندگی او ضبط و نقل شده است، آن خلوص، ایثار، تقوا و هوشیاری و آن اطاعتی که از امام داشت، آن پایبندی که نسبت به اخلاق و احکام اسلامی داشت، آن شجاعت و شهامت، آن روحیه‌ای که در وجود او موج می‌زد از اینکه من خدمتگزار مردم هستم، این خدمتگزاری را به حرف همه می‌گویند، «**اَلْحَقُّ أَوْسَعُ اَلْأَشْیاءِ فِی اَلتَّوَاصُفِ وَ أَضْیقُهَا فِی اَلتَّنَاصُفِ**»[[14]](#footnote-14) میدان توصیف و سخنوری در باب حق میدان باز و وسیعی است اما عرصه عمل در باب حق خیلی تنگ و دشوار و سخت است، حق در گفتن خیلی راحت است اما وقتی‌که پای کار می‌آید و باید انصاف داشت همه پاها می‌لرزد.

کسی که به زندگی شهید رجایی نگاه می‌کرد حس می‌کرد که در مقام عمل هم اهل حق است، مرحوم شهید باهنر هم همین‌طور بود.

## هفته دولت

به مناسبت شهادت شهید باهنر و شهید رجایی هفته دولت اعلام شده است. هفته دولت یک هفته‌ای است که هم باید برای دولت و هم برای ملت اهمیت داشته باشد، هفته دولت دو جهت دارد، یک جهت و سوی آن این است که مردم به خدمات دولت، به تلاش‌ها و اقداماتی که مسئولان برای پیشرفت کشور انجام می‌دهند توجه بکنند و بر آن‌ها آگاه باشند که این یک سوی قضیه است و واقعاً هم لازم است، به‌هرحال آنچه انقلاب ما به ارمغان آورد این بود که رابطه حکومت و مردم را یک رابطه نزدیکی کرد.

البته معنایش این نیست که هرکسی در هر مسئولیتی که هست کارش درست است و خطا ندارد اما به‌طورکلی آن رابطه استبدادی و فاصله‌ای که در دوره طاغوت میان دولت و ملت بود فروریخت و دولت و ملت یک رابطه نزدیکی پیدا کردند و اساس اسلامیت نظام و پیشرفت کشور هم این است که این رابطه قوی بماند و یکی از حرف‌های مهم هفته دولت این است که باید این فاصله‌ها را کم کرد منتها این فاصله کم کردن نیاز به دو کار مهم دارد که یکی از آن‌ها مسائل اخلاقی است.

## مدل حکومت امام علی (ع) در نهج‌البلاغه

ملت، دولت و مسئولان در هر رده‌ای که باشند مسئولیت اخلاقی دارند، همان مدلی که علی ابن ابیطالب در نهج‌البلاغه از یک حکومت الهی و مردمی ارائه کرده است مدل بسیار عالی و زیبایی است. یک بخش مهم از نهج‌البلاغه حقوق متقابل ملت و حکومت است و نوع عملکرد حکومت در خطبه 216 آمده است، در عهدنامه مالک اشتر آمده است، در چند نامه دیگر از مولا آمده است، این‌ها را اگر کنار هم بگذاریم یک مدل حکومت مردمی را خود مولا به ما نشان می‌دهد.

در درون تعالیم و اندیشه‌های دینی ما مدلی از حکومت مردمی و پیوسته به قدرت مردم نشان داده شده است که می‌تواند مترقی‌ترین مدل‌های حکومتی تلقی بشود و جمهوریّتی که در درون اسلامی وجود دارد در این مدل حکومتی ارائه شده است، ما باید تلاش بکنیم این مدل را مورد توجه قرار بدهیم، ازیک‌طرف ارتباط مردم با حکومت، توجه به مشکلات حکومت، همدلی و همراهی با برنامه، قوانین و مقررات و برنامه‌هایی که نظام می‌ریزد و یک طرف مهم‌تر آن اخلاق و منش و رفتار حاکمان و مسئولان باید باشد.

## توجه به نکاتی در هفته دولت

هفته دولت باید هفته‌ای باشد که ما را از نظر سیاسی به آن مدل و ساختار برگرداند، نیاز است که هم ما مسئولیت‌های خود را بشناسیم و هم حکومت، دولتمردان و مسئولان توجه به رسالت خطیر خودشان داشته باشند و الگوهایی مثل شهید رجایی در این زمینه برای ما الگوی خوبی است.

توجه به خدماتی که دولت کرده است مهم است و همین‌طور توجه به اخلاق حکومتی که اسلام می‌خواهد، آن معاشرت و ارتباط صمیمی و اینکه از صمیم قلب خود را خدمتگزار ببیند، نقدپذیری حکومت و مسئولان، اینکه آماده باشند حرف مردم را بشنوند، به مشکلات توجه بکنند و بر اساس آن تصمیم بگیرند، همین‌طور توجه به نکات مهمی که امروز باید مورد توجه باشد، توجه به فساد اداری که متأسفانه با آن درگیر هستیم، ساختار دولت و نوع کارهای اداری ما از نظر فنی نیاز به بازنگری دارد، اخلاق اداری و زدودن فسادهایی که ممکن است پیدا بشود، مسئول یک اداره باید خودش به اخلاق و فنون اداره توجه بکند و هم در حوزه کار آن نظارت و مراقبت درست را داشته باشد که کارها درست انجام بشود.

مطمئناً یک مسئول سیاسی، اجتماعی و اداری اگر آگاه و وظیفه‌شناس باشد و روی فسادهای اداری حساس باشد قطعاً روی مجموعه‌اش هم اثر می‌گذارد.

## ادغام بعضی وزارت‌خانه‌ها

ادغام وزارت خانه‌ها طبق یک فرمول و قواعد و فنون مدیریتی سر جایش محفوظ است، دولت هم باید جمع و جورتر بشود و بیشتر کار به خود مردم سپرده بشود، این‌ها سیاست‌های کلی است که از نظر امام بوده است و بعد مقام معظم رهبری آن را تأیید کردند و مسئولان هم بر اساس آن حرکت می‌کنند، دولت باید به سمت برنامه‌ریزی و هدایت و حمایت از صنعت و کشاورزی برود و کار باید به خود مردم سپرده بشود و کاری که خود مردم انجام بدهد به یک جایی می‌رسد.

دولت باید در یک بخش‌هایی متصدی بشود، این یک قاعده کلی و درست است و دولت گسترده‌ای که بخواهد خودش متصدی همه چیز باشد دولت موفقی نیست، صنعت باید دست مردم باشد، کشاورزی باید دست خود مردم باشد، اقتصاد را باید خود مردم بچرخانند و دولت باید زمینه را برای رشد و ارتقای صنعت، اقتصاد، کشاورزی فراهم کند، دولت یک سیاست‌گذار و برنامه‌ریز موفق باشد. ادغام وزارتخانه‌ها هم در این راستا چیز بدی نیست و قاعدتاً باید کارشناسی و علمی بشود.

## اقدامات جهاد سازندگی

جهاد به‌عنوان ارزشی است که بعد از انقلاب تجارب گران‌بهایی را کسب کرده است و به‌عنوان یک ارگانی که نیروهای بسیار خوبی را در سراسر کشور جذب کرده است و حرکت‌های بسیار مهمی بعد از انقلاب انجام داد و روستاها را متحول کرد،

جهاد در دوره دفاع مقدس و در کنار نیروهای بسیج، سپاه، ارتش و سپاه بود و در آن هجوم بسیار ناجوانمردانه‌ای که به کشور ما شد جهادیان خدمات بزرگی را ارائه دادند، بعد هم تجاربی که جهادگران ما در عرصه تولید و راه‌اندازی کارها و در قسمت‌های مختلف انجام دادند از اقدامات مهم این گروه است.

در خیلی از کشورها از جهاد ما استفاده می‌کنند، جهاد نهادی است که از درون انقلاب جوشیده است، نیروهای متعهدی در درون آن پرورش یافتند و کارهای بزرگی را چه قبل از جنگ، چه در طول جنگ و چه بعدازآن انجام داده‌اند.

## دعا

خدایا تو را به بزرگان درگاهت سوگند می‌دهیم ما را از بندگان خالص و موفق خودت قرار بده، ما را در آزمون‌های بزرگ موفق بدار، ارواح مؤمنین و مؤمنات، گذشتگان ما، شرکت‌کنندگان در جمعه‌ها و جماعت‌ها و مراسم عبادی، ارواح شهیدان ما و امام بزرگوار ما را با اولیای خود محشور بفرما، خدایا در هفته دولت دولتمردان ما، همه خدمتگزاران به این ملت را در پناه خودت موفق و منصور و مصون بدار، سلام‌های خالصانه ما را به محضر مولا و سید و سرورمان حضرت بقیّه الله الأعظم ابلاغ بفرما، قلب او را از ما راضی و خوشنود بفرما، بر فرج آن حضرت تعجیل بفرما، گرفتاری گرفتاران را مرتفع بفرما، گرفتاری ملت‌های اسلامی و این امت بزرگوار را مرتفع بفرما، خدایا مریضان و جانبازان را شفا عنایت بفرما.

**بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ** **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَد، لَمْ یلِدْ وَ لَمْ یولَدْ، وَ لَمْ یکن لَّهُ کفُوًا أَحَدٌ[[15]](#footnote-15)**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **سوره مبارکه آل عمران، آیه 102..** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. سوره مبارکه طه، آیه 7.** [↑](#footnote-ref-3)
4. . **میزان الحکمه، ج 8، ص 212** [↑](#footnote-ref-4)
5. **. نهج البلاغه، نامه 31.** [↑](#footnote-ref-5)
6. **. نهج البلاغه، نامه 31.** [↑](#footnote-ref-6)
7. **. همان.** [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. **. سوره مبارکه الکوثر.** [↑](#footnote-ref-9)
10. **نهج البلاغه، خطبه 98..**  [↑](#footnote-ref-10)
11. **. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح** [↑](#footnote-ref-11)
12. **زیارت جامعه کبیره..** [↑](#footnote-ref-12)
13. **سوره مبارکه آل عمران، آیه 102..** [↑](#footnote-ref-13)
14. **. نهج البلاغه، خطبه 216.** [↑](#footnote-ref-14)
15. **. سوره مبارکه اخلاص.** [↑](#footnote-ref-15)